

دانشگاه بین‌المللی امام خمینی



IMAM KHOMEINI  
INTERNATIONAL UNIVERSITY

وزارت علوم ، تحقیقات و فناوری

دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات عربی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات عربی

عنوان:

بررسی رمان سیاسی در سوریه با نگاهی بر رمان الثلج یاتی من النافذه از حنا مینه

استاد راهنما:

دکتر رضا ناظمیان

استاد مشاور:

دکتر علیرضا شیخی

نگارنده:

سمیه لطیفی

اسفند ۱۳۸۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسمه تعالی

فداوند را سپاس می‌گوییم که به من فرصت داد تا عمر خود را در راه تحصیل علم و دانش سپری کنم و همواره استنادی دلسوز و فرزانه بر سر راهم قرار داد تا راهنمای راهم باشند.

رحمات استاد راهنمایم جناب آقای دکتر رضا ناظمیان را ارج می‌نهم که با صبر و حوصله بسیار مرا در مسیر این رساله هدایت فرمودند. همچنین از استاد مشاورم دکتر علیرضا شیخی، که از هرگونه همکاری دریغ ننمودند و از رحمت دکتر عبدالعلی آل‌بویه، دکتر احمد پاشا زانوس و دکتر سید محمد میر حسینی تشکر نموده و کمال سپاس و قدردانی قلبی خود را ابراز می‌دارم.

تقدیم به:

مادره که مهرش در دلم کرامی و مقدس است

و

پدره که مهرش بنایی شد برای تلاش در کسب علم و دانش

## چکیده:

با پایان جنگ جهانی دوم و سیطره استعمارگران بر کشورهای عربی، شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جهان عرب رو به وخامت گذاشت. این شرایط باعث شد تا ادبیات داستانی سهم بسزایی در بازتاب وقایع داشته باشد. به دلیل این که بسیاری از مشکلات مردم، از اوضاع سیاسی کشور نشأت می‌گرفت، رمان نویسان با الهام از مضامین سیاسی سعی داشتند تا برای حل مشکلات چاره‌ای بیندیشند.

حنا مینه یکی از معروف‌ترین رمان نویسان سوریه است که درون مایه اصلی آثار او مسائل سیاسی می‌باشد. او به رمان نویسی پرداخته تا مصائب مردم را با هدف تحقق عدالت و آزادی به نمایش بگذارد. وظیفه ادبیات را یک وظیفه سیاسی و اجتماعی می‌داند و افکار و اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی خود را به شکل گسترده‌ای در آثار خود به کار گرفته است. یکی از آثار او که مبارزات سیاسی یک روشنفکر را به تصویر کشیده، داستان «الثلج یأتی من النافذه» است. نویسنده ایدئولوژی و افکار انقلابی خود را به شیوه منحصر به فردی با عقاید دینی خود تلفیق نموده و عناصر داستان را هم در خدمت بیان مضامین مورد نظر خود قرار داده است.

**کلید واژه ها:** رمان سیاسی، حنا مینه، سوریه، استعمار، مبارزه.

## فهرست مطالب:

.....	مقدمه	أ
<b>فصل اول: بررسی رمان سیاسی در سوریه</b>		
.....	۱. رمان سیاسی	۲
.....	۱-۱ ظهور مکتب واقع گرایی	۲
.....	۲-۱ تعریف رمان سیاسی	۳
.....	۳-۱ سیاست در رمان	۵
.....	۲. اوضاع سیاسی سوریه	۸
.....	۱-۲ جنگ جهانی اول	۸
.....	۲-۲ جنگ جهانی دوم و خروج اشغالگران	۹
.....	۳-۲ کودتاهای نظامی	۱۰
.....	۴-۲ دولت وحدت ملی	۱۲
.....	۵-۲ جنگ با اسرائیل	۱۳
.....	۶-۲ حافظ اسد	۱۶
.....	۳. رمان سیاسی در سوریه	۱۸
.....	۱-۳ استقلال کشور	۱۸
.....	۲-۳ مبارزات قومیتی	۲۱
.....	۱-۲-۳ تجربه وحدت	۲۲
.....	۲-۲-۳ شکست اعراب از اسرائیل در حزیران ۱۹۶۷	۲۶
.....	۳-۲-۳ فلسطین	۲۸

## فصل دوم: زندگی نامه، ادبیات و اندیشه‌های حنا مینه

.....	۱. زندگی نامه	۳۲
.....	۲. ادبیات حنا مینه	۳۶
.....	۱-۲ فعالیت‌های ادبی	۳۶

۳۸	۲-۲ تأثیر پذیری از ادبیات دیگران (ادبیات غرب- ادبیات عربی)
۴۲	۳-۲ ادبیات دریا
۴۴	۴-۲ اسطوره و رمز
۴۷	۳. افکار و اندیشه‌های او
۴۸	۳-۱ حنا مینه و ایدئولوژی مارکسیستی او
۵۱	۳-۲ استعمار، بیگانگان و اسرائیل
۵۲	۳-۳ جنگ
۵۴	۳-۴ حکومت و قدرت
۵۴	۳-۵ تشکیلات سیاسی
۵۵	۳-۶ انقلاب
۵۶	۳-۷ قومیت و وحدت عربی
۵۷	۳-۸ جایگاه زن در آثار حنا مینه

### فصل سوم: بررسی آثار حنا مینه

۶۲	۱. قصه کوتاه
۶۴	۲. رمان
۶۵	۲-۱ المصاییح الزرق
۶۷	۲-۲ الشراع والعاصفه
۶۹	۲-۳ الثلج یأتی من النافذه
۷۰	۲-۴ الشمس فی یوم غائم
۷۲	۲-۵ الیاطر
۷۳	۲-۶ سه گانه (بقایا صور- المستنقع- الربیع و الخریف)
۷۷	۲-۷ المرصد
۷۷	۲-۸ سه گانه دریا (البحار- الدقل- المرفأ البعید)
۸۰	۲-۹ الولاعه

۳. آثار نقدی .....	۸۲
۱-۳ ناظم حکمت و قضایا ادبیه و فکریه .....	۸۲
۲-۳ ناظم حکمت السجن، المرأه، الحياه .....	۸۳
۳-۳ ناظم حکمت ثائراً .....	۸۴
۴-۳ ادب الحرب .....	۸۴
۵-۳ هواجس فی التجربه الروائیه .....	۸۵

### فصل چهارم: بررسی رمان الثلج یأتی من النافذه

۱. خلاصه رمان «الثلج یأتی من النافذه» .....	۸۸
۲. درونمایه .....	۱۲۱
۱-۲ مبارزه، فرار و غربت .....	۱۲۲
۲-۲ افکار مارکسیستی داستان .....	۱۲۶
۳-۲ مفاهیم دینی .....	۱۲۸
۳. شخصیت .....	۱۳۵
۱-۳ شخصیت چیست؟ .....	۱۳۵
۲-۳ شخصیت‌های داستان «الثلج یأتی من النافذه» .....	۱۳۹
۴. زمان .....	۱۵۵
۵. مکان .....	۱۶۰
۶. گفتگو .....	۱۶۵
۷. دیدگاه .....	۱۷۰
۸. پیرنگ .....	۱۷۳
نتیجه گیری .....	۱۷۸
فهرست منابع .....	۱۸۱
فهرست اعلام .....	۱۸۵
فهرست اصطلاحات .....	۱۹۵



ادبیات هیچ ملتی خالی از قصه و حکایت نیست. بدون شک میراث ادبیات عرب نمی‌تواند از این مسأله مستثنی باشد. معروف‌ترین این حکایات، قصه‌های هزار و یک شب است که شامل گنجینه‌ای از ده‌ها قصه جالب است. این قصه‌ها از گذشته تا کنون رفته رفته تکامل یافته تا به شکل امروزی آن تبدیل شده است، که به آن رمان و داستان اطلاق می‌شود. رمان در کنار شعر، از معروف‌ترین فنون ادبی روزگار ماست. این داستان‌ها در حکم آینه‌ای هستند که تحولات روحی انسان‌ها را در طول زمان، در خود بازتاب می‌دهند. تا انسان وجود دارد و متحول است، داستان نیز وجود داشته و تصویر او را در خود نشان خواهد داد. به همین دلیل است که رمان امروزه به دیوان عرب شهرت یافته است.

با این که سیر رمان نویسی در ادبیات عرب در آغاز پیدایش تا حد زیادی از شکل اروپایی آن پیروی می‌کرد، اما با این حال نمی‌توان تأثیر آن از ریشه‌های قصه‌های قدیمی عرب را کاملاً نفی کرد. در ابتدا دیدگاه رمانتیسیم بر رمان‌نویسی حاکم بود. کم‌کم با ریشه‌دار شدن مشکلات در جوامع عرب این دیدگاه جایگاه خود را به مکتب واقع‌گرایی داد. همان‌طور که از نام این مکتب پیداست نویسندگان پیرو این مکتب، به واقعیت‌های جامعه می‌پرداختند. از آن جایی که بسیاری از این واقعیت‌ها از شرایط سیاسی جامعه نشأت می‌گرفت، مسائل سیاسی محور بسیاری از رمان‌ها قرار گرفت.

رمان سیاسی در غرب در نتیجه درگیری‌های ایدئولوژیکی و فضای سیاسی بحرانی به وجود آمد. این درگیری بین نظام‌های سرمایه‌داری و سوسیالیستی بسیار شدید بود. نویسندگان این رمان‌ها سعی داشتند تا به جایگاه انسان غربی و سرنوشت او در سایه نظام‌های حکومتی معاصر بپردازند. از مهم‌ترین رمان‌های سیاسی در غرب، رمان «مادر» از ماکسیم گورکی، «دن آرام» از شولوخوف، «جنایت و مکافات» از داستایوفسکی است. این داستان‌ها به وضعیت طبقه کارگر و کشاورز و فقر و بدبختی آن‌ها می‌پردازند.

در عصر حاضر رمان «زینب» از محمد حسین هیکل، نقطه آغاز تحول در مسیر رمان نویسی عربی محسوب می‌شود. پس از هیکل نویسندگان بزرگی پا به عرصه رمان‌نویسی نهادند. پس از مدتی رمان‌های سیاسی با تأثیر از رمان‌های اروپایی و پس از انتشار رمان‌های واقع‌گرایانه «زقاق المدق»، «خان الخلیلی»، «القاهره الجدیدة» از نجیب محفوظ، «الارض» اثر عبدالرحمن شرقاوی، و «المصباح

الزرق» از حنا مینه پا گرفت و روز به روز بیشتر مورد توجه نویسندگان عرب قرار گرفت. از این پس حوادثی که در کشورهای عربی رخ می‌داد، در رمان‌ها هم بازتاب ویژه‌ای پیدا می‌کرد. یکی از کشورهای عرب که در دوران معاصر شاهد تحولات سیاسی گوناگونی بوده، سوریه است. اشغالگری کشورهای اروپایی، کودتاهای متعدد نظامی، دولت وحدت ملی، جنگ با اسرائیل و ... از جمله حوادثی است که در این کشور رخ داده و مورد توجه رمان نویسان آن قرار گرفته است.

یکی از رمان نویسان سوری که به مسائل سیاسی می‌پردازد، حنا مینه است. رمان «المصباح الزرق» او اولین رمان واقع‌گرایانه در سوریه محسوب می‌شود. او بیشتر از چهل سال از عمرش را آواره و تحت تعقیب گذرانده، از دوران نوجوانی به عرصه سیاست وارد شده، و آن را در ادبیاتش به کار گرفته است. تحصیلات دانشگاهی ندارد، ولی علم و ادبش را از جامعه و مردم به دست آورده و در آثارش از تجارب شخصی خود می‌نویسد. همین امر سبب شده که از مقبولیت زیادی برخوردار شود.

حنا مینه دارای اعتقادات مارکسیستی است، به همین جهت شخصیت‌های داستانی او غالباً کارگران و قشر زحمت‌کش و فقیر جامعه‌اند. ایدئولوژی مارکسیستی او اعمال و گفتگوها و سرنوشت شخصیت‌های داستانی او را تحت تاثیر قرار داده و داستان‌هایش همیشه شامل تحلیل‌های سیاسی و دیدگاه‌های او در زمینه مسائل مختلف سیاسی و اجتماعی هستند.

یکی از داستان‌های حنا مینه که در آن به مسائل سیاسی پرداخته، «الثلج یأتی من النافذه» است. او مبارزات یک نویسنده در زمان حکومت‌های دیکتاتوری در دهه پنجاه را به تصویر می‌کشد. در این رساله قصد داریم این داستان را به عنوان یک نمونه از رمان سیاسی در سوریه مورد بررسی قرار دهیم. از این رو:

در فصل اول: پس از تعریف کوتاهی از رمان سیاسی و بررسی اوضاع سیاسی سوریه و مهم‌ترین تحولات آن، به آثار نویسندگان سوری در این زمینه می‌پردازیم. این آثار غالباً در مورد دوران استعمارگری فرانسه، شکست اعراب در حزیران ۱۹۶۷ و وحدت سوریه و مصر است.

در فصل دوم: زندگی‌نامه، ادبیات و اندیشه‌های سیاسی حنا مینه به همراه اعتقادات وی در مورد جایگاه زن در اجتماع و آثارش مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

در فصل سوم: آثار وی در زمینه قصه کوتاه، رمان و کتاب‌های نقدی بررسی خواهد شد. هدف در این فصل بیان دیدگاه‌های سیاسی نویسنده در آثارش به ویژه در رمان‌های او است.

در فصل چهارم: به دلیل حجم زیاد داستان «الثلج یأتی من النافذه»، یک خلاصه چهل صفحه‌ای از آن ارائه می‌شود. سپس عناصر داستان با هدف نقد و بررسی میزان تأثیر مضامین مورد نظر نویسنده مورد توجه قرار می‌گیرد.

از آن جایی که رمان با مضامین سیاسی در سوریه، علی‌رغم تحولات زیادی که در دوران معاصر در این کشور رخ داده، کمتر مورد توجه قرار گرفته است، در این رساله به بازتاب سیاست در آثار نویسندگان آن پرداخته می‌شود، امید می‌رود که مورد توجه علاقمندان به ادبیات معاصر عرب قرار گیرد.

# فصل ۱

بررسی رمان سیاسی در

سوریه

## ۱. رمان سیاسی

### ۱-۱ ظهور مکتب واقع گرایی

پس از پایان جنگ جهانی دوم جوامع عرب دچار مشکلات و سختی‌های فراوانی شدند. آن‌ها شاهد مشکلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی زیادی بودند، چه از جانب اشغالگران خارجی و چه از جانب نیروهای داخلی که با بیگانگان همکاری می‌کردند. در مقابل این تغییرات، زمینه برای ظهور یک مکتب ادبی جدید که همگام با رویدادهای عصر باشد فراهم شد. مکتبی که در مبارزه برای تغییر واقعیت‌های موجود جامعه سهیم باشد. این مکتب، مکتب واقع‌گرایی بود که واقعیت‌های موجود در جامعه را صادقانه منعکس می‌کرد.

این گونه، شاهد ادبیات متعهدی بودیم که از میدان عواطف مکتب رمانتیسم به میدان واقعیت و مبارزه برای بهبود اوضاع زندگی انسان منتقل شد و علاوه بر اعتراض به وضعیت موجود به تلاش برای اصلاح و تغییر آن می‌پردازد. «واقع‌گرایی عکس‌العملی به مکتب رمانتیسم بود که سبب شد ادبیات را از عالم خیال و احساسات فردی به عالم واقعیت‌های انسانی بازگرداند تا بتواند به موضوعات اجتماعی و اخلاقی که برای خواننده مفید باشد بپردازد<sup>۱</sup>» و نقش رمان را از لذت و سرگرمی به پرورش فکر و اندیشه تغییر بدهد. هر چند که از این جهت رمان هم جنبه هنری و سرگرمی داشت و هم آموزشی<sup>۲</sup>.

به این ترتیب تحول عظیمی در مسیر رمان نویسی عربی به وجود آمد و داستان نویسی از چهارچوب رمانتیسم به واقع‌گرایی منتقل شد. دیگر شخصیت‌های داستانی، انسان‌های خوشبخت، ثروتمند و بی‌دغدغه نبودند، بلکه افرادی فقیر و درد کشیده بودند که جزء طبقات استثمار شده جامعه محسوب می‌شدند. با تغییر شخصیت‌های داستان، در مضامین داستان‌ها هم تغییراتی به وجود آمد و تبدیل به مضامین انسانی و آزادی و عدالت شد. در این داستان‌ها، فقر به عنوان یک بحران حقیقی معرفی شد که راه زندگی را به روی انسان بسته و بعضی از معانی انسانی را سلب کرده و احیاناً باعث جرم، گناه و خیانت هم شده است. این مسأله باعث شد تا پیشگامان واقع‌گرایی در رمان نویسی عربی به مشکل فقر و تمام مسائل مربوط به آن از جمله بیکاری، محرومیت، از هم پاشیدگی

۱- حاج معتوق، محبه: اثر الروایه الواقعيه الغربيه فی الروایه العربيه، دارالفکر اللبنانی، بیروت، ط اول، ۱۹۹۴، ص ۱۶.

۲- همان، ص ۲۸.

خانواده، بحران‌های عاطفی و... بپردازند، که این مسائل را در رمان‌های کسانی چون نجیب محفوظ، عبدالرحمن شرفاوی، حنا مینه و ... شاهد هستیم.

اما هدف نویسندگان واقع‌گرا، تنها نشان دادن فقر و آثار منفی و ویرانگر آن نبود، زیرا فقر به عنوان یک معضل اجتماعی به نویسنده این جرأت را می‌داد که از آن چه باعث این فقر و ظلم شده سخن به میان بیاورد. به خصوص مسائل سیاسی را مورد توجه قرار می‌دادند که غالباً بحران‌های دیگری را به دنبال می‌آورد. «در آغاز کاربرد واقع‌گرایی در ادبیات، بیشتر بحران‌های سیاسی - اگر نگوئیم تمام این بحران‌ها - ناشی از استعمار بیگانگان بود، که تمام کشورهای عربی را شامل می‌شد. رمان‌های اول نجیب محفوظ صادق‌ترین مثال در مورد رمان‌های واقع‌گرایانه است که بیشتر بحران‌های سیاسی را متوجه استعمارگران و بعضی از نیروهای داخلی هم پیمان با آن‌ها می‌کند»<sup>۱</sup>.

## ۱-۲ تعریف رمان سیاسی

نویسندگان معاصر پس از به وجود آمدن چنین شرایطی در جامعه عرب، بسیاری از مسائل سیاسی و میزان تأثیر آن را در زندگی مردم، منعکس کردند. شخصیت‌هایی را در داستان‌هایشان ارائه دادند که دغدغه‌های فکری و سیاسی دارند و سیاست را در زندگی خود محور قرار می‌دهند. معمولاً این شخصیت‌ها، مبارز هستند و از طبقات محروم جامعه و مظلومان دفاع می‌کنند و سعی می‌کنند درد و رنج مردم را از بین ببرند و اهداف عالی خود را در جامعه تحقق بخشند. بر همین اساس بود که رمان سیاسی به وجود آمد. بنابراین رمان سیاسی<sup>۲</sup> رمانی است که:

«مسائل و موضوعات سیاسی به شکل صریح و یا رمزگونه در آن روح غالب داستان است. نویسنده این نوع رمان ضرورتاً وابسته به احزاب سیاسی نیست، اما صاحب یک ایدئولوژی<sup>۳</sup> است که می‌خواهد به وسیله آن خواننده را به شکل صریح یا ضمنی قانع کند. به این ترتیب نویسنده رمان سیاسی قصد

۱- وادی، طه: الروایة السیاسیة، دارالنشر للجامعات المصریة، ط اول، ۱۹۹۶، ص ۴۸.

### 2- Political novel

۳- «ایدئولوژی در ادبیات سیاسی، از نظر لغوی به مفهوم عقیده یا نظر سیاسی تعریف شده است. برخی آن را مجموعه‌ای از اندیشه‌ها درباره زندگی، جامعه و یا حکومت اطلاق می‌کنند که با گذشت زمان بر اثر کثرت استعمال به صورت اعتقاد مسلم و وجه مشخص گروه یا حزبی خاص در می‌آید. به بیان دقیق‌تر ایدئولوژی عبارت است از نظام فکری و عقیدتی که قابل اعمال بر واقعیت‌های خارجی است. (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی: سوریه، مرکز چاپ. انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، چ اول، ۱۳۸۷، ص ۲۸-۲۹).

«ایدئولوژی به عنوان یک عامل زیبایی‌شناختی وارد داستان می‌شود و به دست نویسنده تبدیل به وسیله‌ای برای ساخت جهان خاص خود می‌شود.» (حمدانی، حمید: النقد الروائی و الایدئولوجیا، المركز الثقافی العربی، بیروت، ط اول، ۱۹۹۰، ص ۳۳).

دارد که یک رمان فنی و زیبا بیافریند که شامل یک دیدگاه سیاسی متناسب با اهداف و آرمان‌های گروه‌های اصلاح طلب جامعه هم باشد<sup>۱</sup>». پس وظیفه رمان سیاسی این است که «رابطه بین نظریه، تجربه، ایدئولوژی و عواطف و روابطی که تلاش می‌کند آن را ارائه کند، آشکار سازد. بر این اساس رمان سیاسی می‌تواند احساس ما نسبت به تجربه انسانی را بارور و همچنین ارتباطات و روابط اجتماعی ما را تقویت کند. زمانی که این کار را انجام دهد، وظیفه اقناع خواننده که هدف اصلی و اساسی او نیست را هم تحقق می‌بخشد<sup>۲</sup>».

برای روشن‌تر شدن محدوده نفوذ مسائل سیاسی در رمان به تعاریف دیگری هم که از این نوع رمان ارائه شده است می‌پردازیم:

رمان سیاسی رمانی است که «مستقیماً با جنبه‌های معینی از زندگی سیاسی سروکار داشته باشد و در آن جنبه‌های سیاسی از عناصر لازم سازنده اثر باشد نه زمینه فرعی و حاشیه‌ای آن<sup>۳</sup>»

رمان سیاسی داستانی است که «با جدیت به بررسی افکار سیاسی و برنامه‌های نظری و عملی احزاب سیاسی می‌پردازد و منظور از آن بررسی مفاهیم مکاتب سیاسی و تبیین مواضع اختلاف و شباهت‌های آن‌ها، با در نظر گرفتن حاکم و زیردست و سرمایه داران و کارگران است؛ که افکار صنفی و مبارزات سیاسی و آن چه از این مبارزات ناشی می‌شود را مد نظر قرار می‌دهد. مثل: بازداشت و سرکوب، خفقان و زندانی کردن مبارزان. رمان سیاسی به عنوان یک گرایش در داستان نویسی، افکار سیاسی معینی را تبلیغ، و زمینه را برای گفتگوهایی که شکل مجادلات سیاسی دارد، فراهم می‌کند و از اهمیت عناصر دیگر می‌کاهد. رمان سیاسی به جهتی از واقع گرایی گرایش دارد که تفاوتش با دیگر رمان‌ها به وسیله حوادث سیاسی مشخص می‌شود<sup>۴</sup>».

با توجه به مطالبی که بیان شد، در یک رمان سیاسی لازم است نکات زیر از لحاظ ادبی رعایت شود:

۱- مسائل سیاسی و بحران‌های مهم و خطیر آن ضرورتاً در هر اثر ادبی در خلال یک دیدگاه واقعی نسبت به زندگی و هنر تحقق پیدا می‌کند.

۱- وادی، طه: الروایه السیاسیه، ص ۱۰.

۲- همان، ص ۵۱.

۳- میرصادقی، جمال: ادبیات داستانی، شفا، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۶، ص ۴۱۹.

۴- الحمداوی، جمیل: الروایه السیاسیه و التخییل السیاسی، <http://alwatanvoice.com>

- ۲- افکار سیاسی باید در چهارچوب بقیه مسائلی که رمان به آن می‌پردازد مطرح شود تا وجود آن طوری به نظر نرسد که با اجبار و بدون هیچ ضرورت فنی وارد داستان شده است.
- ۳- نویسنده باید یک معادل موضوعی و قانع کننده برای افکار سیاسی و ایدئولوژی خود انتخاب کند و باید این افکار در روند داستان قابل توجیه و پویا باشد.
- ۴- شخصیت‌هایی که در داستان به سیاست می‌پردازند باید از لحاظ اجتماعی و فکری مورد قبول باشند تا اعمال و گفتارشان قانع کننده باشد.
- ۵- مسأله‌ای که در داستان به آن پرداخته می‌شود باید از مسائل مهمی باشد که کشور را تحت تأثیر قرار داده و مردم را رنج می‌دهد.<sup>۱</sup>

### ۱-۳ سیاست در رمان

همان طور که گفته شد رابطه رمان با مسائل سیاسی، در ادبیات عرب با پایان جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵) و یا کمی پس از آن آغاز شد. ابتدا نفوذ سیاست در رمان کم و ضعیف بود اما کم کم به شکل واضحی در عصر حاضر خصوصاً بعد از بحران‌های شدید سیاسی گسترش یافت. بحران‌هایی که در جامعه عرب به وقوع پیوستند، جنگ الجزایر (۱۹۴۵-۱۹۶۲)، شکست ژوئن (۱۹۶۷)، پیروزی اکتبر (۱۹۷۳)، جنگ ایران و عراق (۱۹۸۰-۱۹۸۸)، جنگ داخلی در لبنان (۱۹۸۰-۱۹۸۶)، تجاوزات دائم اسرائیل به کشورهای عرب مخصوصاً اشغال فلسطین و .... بود.

بنابراین رمان معاصر عرب به مسائل سیاسی اعم از جنگ با دشمنان، سرکوب و خفقان، فقدان دموکراسی، سلب آزادی، عقب ماندگی زنان و ... پرداخته است. تا این که امروزه نفوذ سیاست در ادبیات به حدی رسیده که دیگر محدود به مبارزه نظامی و دشمن خارجی و ... نیست بلکه تمام اعمال بشر و بیشتر مسائل سرنوشت ساز را شامل می‌شود. مثل: آموزش، مسکن، فقر، ثروت، صادرات و واردات، نظام مالیاتی، راههای مواصلاتی و .... به این شکل سیاست در زندگی معاصر تبدیل به همه چیز شده است و بیشتر رمان‌ها، نشانه‌های سیاست را چه به شکل مستقیم و چه غیر مستقیم دارا هستند.<sup>۲</sup>

۱- وادی، طه: الروایة السیاسیة، ص ۶۰-۶۱.

۲- همان، ص ۱۰۲-۱۰۳.



در این جا تعدادی از مهم ترین رمان نویسانی که در جهان عرب به خصوص سوریه، سیاست را در داستان‌های خود محور قرار داده‌اند معرفی خواهیم کرد:

**مصر:** احسان عبدالقدوس، ثروت أباطه، ادوارد الخراط، جمال الغیطانی، صنع الله ابراهیم، طه وادی، عبدالرحمن الشرقاوی، نجیب محفوظ، یحیی حقی، یوسف ادریس، یوسف السباعی و ...

**لبنان:** الیاس خوری، جورج طرابیشتی، سهیل ادریس، غاده السمان، کولیت خوری و ...

**فلسطین:** أمیل حبیبی، أمین شنار، جبرا ابراهیم جبرا، رشاد أبو شاور، سحر خلیفه، غسان کنفانی و ...

**عراق:** برهان الخطیب، عبدالرحمن الربیعی، غائب طعمه فرمان، و ...

**الجزایر:** الطاهر وتار، الطاهر بن جلون و ...

**عربستان سعودی:** عبدالرحمن منیف و ...

اما رمان نویسان سوری که در این فصل قصد داریم رمان‌های سیاسی برخی از آنان را بررسی کنیم عبارتند از: ابراهیم المرجانی، انعام الجندی، ادیب نحوی، بدیع حقی، حسیب کیالی، حلیم برکات، حنا مینه، جورج سالم، زکریا تامر، سمر روحی الفیصل، سلمی الحفار، صدقی اسماعیل، شکیب الجابری، عبد السلام العجیلی، فارس زرزور، فاضل السباعی، قمر کیلانی، مطاع الصفدی، نبیل سلیمان، هانی الراهب، ولید اخلاصی.

در واقع رمان سیاسی در سوریه «رمان افکار انقلابی و سیاسی است که با رمان‌های متعدد حنا مینه آغاز شده و به سایر رمان نویسان سوری رسیده است. تا جایی که صفحات متعددی از این رمان‌ها، بیشتر اوقات شامل دعوت به مبارزات ملی، سیاسی و اجتماعی شده، که در این بین مسأله آزادی سیاسی سهم بیشتری را به خود اختصاص داده است»<sup>۱</sup>.

همان طور که گفته شد رمان سیاسی در سوریه به وسیله حنا مینه و با انتشار داستان «المصابیح الزرق» او در سال ۱۹۵۴ آغاز شده است. حنا مینه از نویسندگان بزرگ سوریه به شمار می‌رود که قصد داریم در این رساله پس از بررسی رمان سیاسی در سوریه به بررسی سیاست در آثار او و

۱- الموسی، خلیل: ملامح من الروایه العربیه فی سوریه، انتشارات اتحاد الکتاب العرب، دمشق، ۲۰۰۶، ص ۳۵.

خصوصاً رمان «الثلج يأتي من النافذه» پردازیم. در این جا لازم است به طور خلاصه به مهم‌ترین مسائل سیاسی سوریه اشاره شود.

## ۲. اوضاع سیاسی سوریه

از زمان فروپاشی امپراطوری عثمانی، جهان عرب به خصوص سوریه شاهد تحولات و فراز و نشیب‌های زیادی بوده که در سرنوشت مردم این کشور تأثیرات بسزایی داشته و طبیعتاً این مسائل در ادبیات کشور سوریه هم بازتاب داشته است. در این جا به مهم ترین مسائلی که در رمان نویسی سوریه مورد توجه قرار گرفته است، می‌پردازیم.

### ۲-۱ جنگ جهانی اول

قبل از آغاز جنگ جهانی اول، سوریه جزئی از امپراطوری عثمانی بود. با آغاز جنگ سرنوشت کشورهای عربی به خصوص سوریه تغییر کرد. در اکتبر ۱۹۱۸ ترک‌ها از سوریه بیرون رانده شدند و با مذاکرات سری ای که بین انگلستان، فرانسه و روسیه انجام گرفت مناطق تحت نفوذ دولت‌های اروپایی در امپراطوری عثمانی تعیین شد و سوریه و لبنان جزء سهم فرانسه قرار گرفتند. «در واقع نیروهای نظامی انگلیس از نارضایتی اعراب در برابر امپراطوری عثمانی استفاده کردند و توده‌های مردم را به جنگ علیه ترک‌ها فراخواندند و به آن‌ها امید دادند که پس از بیرون راندن ترک‌ها، آن‌ها را در تأسیس دولتی عربی و مستقل یاری خواهند کرد. در این زمان بسیاری از اعراب، در طول جنگ امید داشتند که فرانسه استقلال آن‌ها را از سلطه عثمانی تأمین خواهد کرد. اما پس از پایان جنگ سوریه و لبنان دچار اشغال نظامی فرانسه شدند»<sup>۱</sup>.

بریتانیا اعلام کرد که اوضاع این گونه باقی نمی‌ماند و سرنوشت کشورهای عرب تحت سلطه امپراطوری عثمانی در کنفرانس صلح تعیین می‌گردد. اما در این کنفرانس هم که در پاریس تشکیل شد استقلال از این کشورها دریغ، و سرپرستی عراق و فلسطین به انگلیس، و سوریه و لبنان به فرانسه داده شد.

مردم که از تحمیل سرپرستی کشور فرانسه بر خودشان ناراضی بودند بارها دست به شورش و انقلاب زدند. فرانسه تمام تلاش خود را به کار می‌برد تا رژیم استعماری را به هر قیمتی حفظ کند. از جمله اقداماتی که نارضایتی مردم سوریه را به دنبال داشت واگذاری منطقه اسکندرون به ترکیه بود

۱- گروه نویسندگان آکادمی علوم شوری: تاریخ معاصر کشورهای عربی، ترجمه محمد حسن روحانی، توس، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۷، ص ۳.

که فرانسه از سرپرستی خود بر آن چشم پوشید و به ترکیه واگذار کرد. «اسکندرون بندر مهمی بود که تا پیش از احداث کانال سوئز نقش مهمی در مبادلات تجاری شرق و غرب داشت و به همین جهت مورد توجه دولت‌های قدرتمند قرار داشت. بعد از تجزیه امپراطوری عثمانی و تشکیل دولت ترکیه اسکندرون ضمیمه سوریه شد و تحت قیمومیت فرانسه درآمد<sup>۱</sup>».

دولت ترکیه که از اهمیت این بندر مطلع بود تلاش می‌کرد تا دوباره این منطقه را تحت سلطه خود درآورد که «در سوم ژوئیه ۱۹۳۸ هنگامی که خطر هیتلر در اروپا مشهود شده بود، دولت فرانسه (به نمایندگی از جانب دولت سوریه) یک هیئت نظامی به آنکارا اعزام داشت و در نتیجه‌ی مذاکراتی که به عمل آمد قرار شد اسکندرون تحت اداره مشترک فرانسه و ترکیه قرار گیرد و با نظارت دولت مزبور انتخابات به عمل آید و تکلیف نهایی ولایت اسکندرون تعیین گردد. در پنجم ژوئیه ۱۹۳۸ عده‌ای از قوای ترکیه وارد اسکندرون شدند. در سال ۱۹۳۹ که مصادف با شروع جنگ جهانی دوم بود فرانسه عملاً اسکندرون را در اختیار دولت ترکیه قرار داد که این امر باعث تشویق آنکارا در عدم جانبداری از آلمان در جنگ جهانی دوم گردید<sup>۲</sup>».

## ۲-۲ جنگ جهانی دوم و خروج اشغالگران

زمانی که جنگ جهانی دوم آغاز شد، سوریه همچنان تحت سرپرستی فرانسه بود. «در دوم سپتامبر سال ۱۹۳۹ منطقه جنگی اعلام شد. پس از تسلیم فرانسه در ژوئن ۱۹۴۰، سوریه تحت بازرسی کمیته آتش بس آلمان-ایتالیا گذاشته شد که با همکاری کارگزاران ارتجاع فرانسه، تحکیم رژیم نوین فاشیستی را با همه نیرو آغاز کرد<sup>۳</sup>».

اما جنبش‌های پایداری در میان مردم گسترش پیدا کرد و سازمان‌های ضد فاشیستی ایجاد کردند. همین روحیه مردم، راه را برای اشغالگران فرانسوی هموار کرد تا فاشیست‌ها را بیرون برانند. در همین شرایط بود که اشغالگران به مردم نوید دادند رژیم سرپرستی را پایان می‌دهند. اما به این وعده عمل نکردند و همچنان سرپرستی خود را بر سوریه ادامه دادند.

۱- امامی، محمد علی: سیاست و حکومت در سوریه، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۶، ص ۱۹۵.

۲- همان، ص ۱۹۶

۳- گروه نویسندگان آکادمی علوم شوروی: تاریخ معاصر کشورهای عربی، ص ۱۵.